

بررسی غرور ملی و عوامل مؤثر بر آن در میان شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۹۷

داریوش یعقوبی*، محسن نیازی**

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۶/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۹/۰۳/۲۰)

چکیده

غرور ملی یکی از انواع احساسات مثبت به دولت-ملت و دلبستگی‌های ملی است که می‌تواند بیانگر نوعی وفاداری ملی باشد. بدین سبب، این مفهوم در تحقیقات مختلف مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. هدف این مقاله، سنجش احساس غرور ملی در دو بعد غرور ملی سیاسی و غرور ملی فرهنگی در شهر کاشان و تعیین عوامل مؤثر بر آن بود. این تحقیق، در چارچوب روش‌های کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش انجام پذیرفته است. بدین منظور تعداد ۵۷۴ نفر از شهروندان شهر کاشان که بالای ۱۸ سال سن داشتند، به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب، و با استفاده از پرسش‌نامه ساختاریافته، به صورت حضوری با آن‌ها مصاحبه شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که میانگین احساس غرور ملی کلی و غرور ملی فرهنگی شهروندان کاشانی قدری بالاتر از حد متوسط، ولی غرور ملی سیاسی آن‌ها اندکی پایین‌تر از این حد می‌باشد. افزون بر این، متغیرهای سن، استفاده از رسانه ملی، خوش‌بدبینی به آینده کشور، احساس تبعیض اجتماعی و نگرش سیاسی از عوامل مؤثر بر احساس غرور ملی است. در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان گفت که غرور ملی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم دلبستگی ملی در حد قابل ملاحظه‌ای تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار دارد.

مفاهیم اصلی: تبعیض اجتماعی، خوش‌بینی/بدبینی به آینده، غرور ملی، غرور فرهنگی، غرور سیاسی.

* دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران از دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) yaghoubi09@gmail.com

** استاد گروه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات دانشگاه کاشان niazim@kashanu.ac.ir

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره بیستم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۱۶-۱۴۴

۱- مقدمه

جهان امروزی عمدتاً در قالب دولت-ملت‌ها سازماندهی شده است که در آن هویت ملی به یکی از مؤلفه‌های مهم هویت اجتماعی افراد به‌شمار می‌آید (اسمیت، ۲۰۰۶: ۲ و اسمیت و کیم، ۲۰۰۶: ۱۲۷). غرور ملی با توجه به چنین شرایط اجتماعی و تاریخی، موقعیت اجتماعی و جمعیت شناختی افراد، در هر جامعه شکل می‌گیرد (اسمیت و کیم، ۲۰۰۶). در واقع در چارچوب دولت-ملت‌ها، زندگی اجتماعی، روابط اجتماعی، موفقیت‌ها و دستاوردها، مبنایی برای خودارزشمندی^۱ افراد قرار می‌گیرند. اگر همه چیز خوب پیش برود، حس مثبت و در غیر این صورت حس منفی حاصل می‌شود.

به عبارت دیگر، هر چند پایه و اساس احساس غرور، عمدتاً فردی است ولی تعیین هویت با نهادهای بزرگ نیز می‌تواند در این میان نقش داشته باشد (ملدرز، دی پک و ریلو، ۲۰۰۹: ۲). زیرا زندگی اجتماعی افراد فراتر از یک زندگی فردی است. همه انسان‌ها به گروه‌ها و جوامع تعلق داشته، و شهروندان کشورها هستند. بنابراین ارج‌گذاری به خود و احساس غرور می‌تواند به هستی‌ها و نهادهای بزرگ‌تر نیز مربوط شود. به بیان دیگر، شخص می‌تواند همانند زندگی شخصی‌اش به خاطر ارتباط با این نهادها و دستاوردهای آن‌ها، احساس خودارزشمندی و غرور کند.

این احساس است که او به نوعی در یک دستاورد و یا کیفیت قابل تحسین سهیم می‌باشد (ایونز و کلی، ۲۰۰۲: ۳۰۳). دستاوردها می‌توانند انواع مختلفی داشته باشند، برای مثال دستاوردهای اقتصادی، علمی، فنی، ادبی و فرهنگی کشور می‌تواند مبنایی برای احساس غرور ملی افراد قرار گیرد. البته این دستاوردها ممکن است مربوط به گذشته و یا امروز باشد. به عبارت دیگر، افراد می‌توانند نسبت به موفقیت‌ها و دستاوردهایی که کشورشان نه تنها در زمان حال، بلکه در گذشته نیز به آن‌ها دست یافته‌اند، احساس غرور کنند.

هر چند مفهوم غرور ملی در مطالعات مختلف در باره احساسات ملی‌گرایانه به طور وسیعی به‌کار گرفته شده است (برای مثال نگاه کنید به سولت، ۲۰۱۱؛ بلنک و اش‌میت ۲۰۰۳ و هیرم، ۲۰۱۰) ولی آن، نباید با مفهوم ملی‌گرایی اشتباه گرفته شود (هیرم، ۱۹۹۸: ۳۴۲). همچنین مفهوم غرور ملی متفاوت از مفهوم میهن‌دوستی است. در این مورد نیز ملاحظه می‌شود که مؤلفه‌های غرور ملی برای سنجش میهن‌دوستی مورد استفاده قرار گرفته است (برای مثال نگاه کنید به دیویداو، ۲۰۰۹؛ لاچوا، ۲۰۱۰). در حالی که مفهوم میهن‌دوستی وسیع‌تر از مفهوم غرور ملی است. غرور ملی باید به‌عنوان احساس غرور فردی نسبت به دولت-ملت دیده شود، که می‌تواند مبتنی بر عوامل مختلفی باشد، با این وجود ممکن است با دو مفهوم کلی نیز شناسایی شود. این دو مفهوم غرور ملی سیاسی و فرهنگی

^۱. Self-value

هستند (هیبرم، ۲۰۰۳: ۴۱۶). در واقع، از نظر هیبرم^۱، می‌توان غرور ملی را در دو بعد سیاسی و فرهنگی ملاحظه نمود. غرور ملی سیاسی با آنچه که می‌تواند به‌عنوان جنبه مدنی یک جامعه در نظر گرفته شود و یا نهادهای سیاسی، اقتصاد و نظام امنیت اجتماعی مرتبط است. غرور ملی فرهنگی نیز با آنچه که می‌تواند به عنوان تاریخ مردم، شیوه‌ها و دستاوردهای فرهنگی مربوط به مردم ملاحظه شود، مرتبط است. غرور ملی از مفهوم هویت ملی نیز متفاوت است زیرا غرور ملی، در مقایسه با هویت ملی که در طول زمان حداقل مقداری ثبات را نشان می‌دهد تغییرپذیرتر است. افزون بر این، هویت ملی می‌تواند به‌طور همزمان هم پدیده‌ای کلان و هم خرد باشد. به این معنا که آن، هم می‌تواند ویژگی‌های یک ملت و هم خود-تعریفی^۲ افراد از تعلق به اجتماع بزرگتر باشد (همان: ۴۱۶). باید دریافت که اگر واقعیت این است که غرور ملی با دگرگونی‌های سیاسی و ساختاری یک جامعه تغییر می‌کند پس ممکن است در مقایسه با هویت ملی، در طول زمان بیشتر تغییر کند.

برخی از پژوهشگران غرور ملی را متمایز از هویت ملی ولی مرتبط با آن می‌بینند. به باور آن‌ها غرور ملی احساس مثبتی است که مردم به خاطر هویت ملی خود، نسبت به کشورشان دارند (اسمیت و جارکو، ۱۹۹۸: ۱؛ اسمیت و کیم، ۲۰۰۶: ۱۲۷). از این منظر می‌توان گفت که غرور ملی و هویت ملی یکدیگر را تقویت می‌کنند (ایونز و کلی، ۲۰۰۲: ۳۱۵ و ۳۱۶).

آگاهی از سطح غرور ملی در یک جامعه و تغییرات آن، دارای اهمیت است. زیرا پایین بودن غرور ملی می‌تواند بیانگر ناامیدی و طرد جامعه از سوی افراد باشد. غرور ملی به تعریف افراد از عضویت ملی، حمایت از ملی‌گرایی و گرایش به مهاجرت یاری می‌رساند (اسمیت، ۲۰۰۶: ۲). در واقع، هرچه افراد غرور ملی پایین‌تری داشته باشند نگرش مثبت‌تری نسبت به مهاجرت به خارج خواهند داشت (گوت و واتسون، ۲۰۰۶، به نقل از محلاتی و ابوالمعالی، ۱۳۹۴: ۱۱۷؛ مظاهری، میناکاری و صادقی، ۱۳۸۷: ۱۵۷). بنابراین، غرور ملی را می‌توان یکی از شاخص‌های وفاداری ملی در نظر گرفت. همچنین مطالعات نشان می‌دهند که احساس غرور ملی به میزان قابل ملاحظه‌ای موجب افزایش احساس شادمانی در جامعه می‌شود (قانع‌راد، خوشنام و جعفری، ۱۳۹۴: ۱۴۹؛ مصلحی جویباری و شریفی، ۱۳۹۴: ۸۴). افزون بر این‌ها، غرور ملی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی ملی‌گرایی می‌تواند در دفاع از کشور و تلاش برای پیشرفت و کسب رتبه‌های بالاتر در سطح جهانی مؤثر باشد. به بیان دیگر گسترش این احساس در سطح جامعه می‌تواند نیروی بالقوه عظیمی را پرورش دهد که میل به تحول مثبت و ترقی، و پرداخت هزینه‌های اجتماعی لازم برای دستیابی به اهداف جامعه را فراهم سازد.

^۱. Hjerme

^۲. self-definition

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هرچند به نظر می‌رسد که اهمیت موضوع غرور ملی و توجه به آن، بیشتر می‌تواند در سطح کلان جامعه مطرح شود، ولی ضرورت بررسی این موضوع در شهری مانند کاشان را نمی‌توان جدا از ضرورت توجه به غرور ملی در سطح کلان در نظر گرفت. زیرا تولید داده و کسب اطلاعات علمی دقیق در مورد این پدیده اجتماعی در شهر کاشان به آگاهی از وضعیت مسئله در سطح ملی نیز یاری می‌رساند. افزون بر این، محدودیت‌های تحقیق و برخی ویژگی‌های خاص کاشان نیز ایجاب نمود که این شهر به عنوان جامعه آماری تحقیق انتخاب شود: نخست این‌که کاشان را می‌توان به لحاظ اندازه شهری یکی از شهرهای متوسط ایران در نظر گرفت. بنابراین نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر، تا حدی می‌تواند بازگو کننده وضعیت غرور ملی در این گونه شهرها باشد که بر خلاف کلان شهرها، کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرند. دوم، این‌که شهر کاشان به لحاظ جمعیتی، زبانی و مذهبی ساختاری همگون دارد. بنابراین، تحقیق حاضر می‌تواند با مصون ماندن از دخالت متغیرهای قومیت و مذهب با سهولت و دقت بیشتری به تولید داده‌های معتبر در مورد غرور ملی بپردازد.

هدف مقاله حاضر تلاش برای پاسخ به دو پرسش اصلی است. نخست این‌که میزان غرور ملی در میان شهروندان شهر کاشان در ابعاد مختلف چقدر است؟ و دوم این‌که، کدام‌یک از عوامل زمینه‌ای و اجتماعی می‌توانند تغییرات این متغیر را در میان جمعیت تحقیق توضیح دهند؟ مقاله، برای دستیابی به دو هدف مورد اشاره، پس از سنجش مفهوم غرور ملی، با توجه به ادبیات تحقیق، روابط مفروض بین متغیرها را مورد آزمون قرار می‌دهد.

۲- پیشینه پژوهش

در مورد غرور ملی به عنوان موضوعی مستقل، در ایران و به خصوص در حوزه علوم اجتماعی تحقیقات بسیار اندکی صورت گرفته است. هر چند در خارج نیز این تحقیقات چندان زیاد نیست، ولی باز مورد توجه بوده است. لذا در این‌جا به تعدادی از این پژوهش‌ها به طور خلاصه اشاره می‌شود.

مظاهری، میناکاری و صادقی (۱۳۸۷)، در پژوهش خود، به مقایسه غرور ملی "ایرانیان مهاجر به کانادا"، "متقاضی مهاجرت" و "ساکن تهران" پرداختند. حجم نمونه این تحقیق ۲۷۲ نفر بود که از میان آن‌ها ۷۵ نفر مقیم کانادا، ۹۹ نفر متقاضی مهاجرت به کانادا و ۹۸ نفر ساکن تهران بودند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ایرانیان مهاجر، پایین‌ترین و در مقابل، ایرانیان ساکن تهران بالاترین سطح غرور ملی را دارند، و متقاضیان مهاجرت، بین این دو گروه و نزدیک به گروه مهاجران قرار می‌گیرند.

هاشمیان‌فر، جلالی و هاشمیان (۱۳۹۰)، در پژوهشی در مورد غرور ملی و عوامل مؤثر بر آن، مفهوم غرور ملی را در دو بعد غرور ملی ناسیونالیستی و میهن‌پرستانه مشخص نموده و نشان دادند

که متغیرهای مستقل دینداری سنت‌گرا، دینداری نقادانه، ارزش‌های اجتماع‌گرایانه، تحصیلات، جنسیت و سن حدود ۴۲ درصد از واریانس غرور ملی ناسیونالیستی و حدود ۱۸ درصد از غرور ملی میهن‌دوستانه را تبیین می‌کنند.

عیدی، عباسی و فدایی ده‌چشمه (۱۳۹۳ و ۱۳۹۵) در پژوهش خودشان بر روی مفهوم غرور ملی، که در میان استادان و دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه‌های دولتی و با حجم نمونه ۳۲۵ نفر انجام داده، و نتایج آن را در دو مقاله منتشر کردند و تلاش نمودند ابعاد غرور ملی را مشخص سازند. این پژوهشگران با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی هفت بعد را برای این مفهوم مشخص نمودند که عبارتند از: غرور فرهنگی و ادبی، غرور ناشی از تاریخ و تمدن، غرور نظامی، غرور سیاسی، غرور علمی، غرور اقتصادی و غرور ورزشی. آن‌ها تأکید کرده‌اند که ابعاد یاد شده مناسب‌ترین مؤلفه‌های غرور ملی هستند.

غلامی و علیزاده (۱۳۹۶)، در تحلیل جامعه‌شناختی و تجربی خود از مفهوم غرور ملی، با هدف توصیف و تحلیل عوامل مؤثر بر این پدیده، نشان دادند که ارتباط معنی‌داری بین متغیرهای رضایت از اوضاع اقتصادی و اجتماعی، احساس محرومیت، احساس مشروعیت نظام سیاسی و احساس تبعیض با غرور ملی وجود دارد.

اسمیت^۱ و جارکو^۲ (۱۹۹۸) در یک گزارش پژوهشی در مورد غرور ملی که توسط دانشگاه شیکاگو منتشر شد، نشان دادند که غرور ملی در دموکراسی‌های با ثبات، پایدار و توسعه یافته بیشتر است. در حالی که در کشورهای اروپای شرقی و همچنین در کشورهایی که به خاطر تضادهای قومی و جنگ دارای شکاف‌های اجتماعی هستند پایین‌تر است. یافته‌های این تحقیق، همچنین نشان می‌دهد که غرور ملی در میان اقلیت‌ها پایین‌تر بوده، و همراه با نسل‌ها کاهش می‌یابد.

ایونز^۳ و کلی^۴ (۲۰۰۲) در تحقیقی در مورد غرور ملی در جهان توسعه یافته، که در ابعاد، احساس غرور به دستاوردهای علمی، اقتصادی، هنری، ادبیات و ورزش و با استفاده از داده‌های پیمایش اجتماعی بین‌المللی (۱۹۹۵) در ۲۴ کشور به انجام رساندند نشان دادند که برخلاف فرضیه جهانی شدن که بر کاهش غرور ملی تأکید دارد افراد در جهان توسعه یافته در تمامی این موارد احساس غرور می‌کنند.

تایلی^۵ و هیث^۱ (۲۰۰۷) در پژوهش خود در مورد کاهش غرور ملی در بریتانیا، نشان می‌دهند که از دهه ۱۹۸۰ به این طرف، غرور ملی در بریتانیا به شدت کاهش یافته است به گونه‌ای که

¹ Smith

² Jarkko

³ Evans

⁴ Kelley

⁵ Tilley

نسل‌های اخیر نسبت به نسل‌های قبلی از غرور ملی پایین‌تری برخوردار هستند. به این ترتیب، نتایج این تحقیق حاکی از آن است که تغییرات و تحولات نسلی غرور ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سبوتاری^۲ (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان "تعیین‌کننده‌های غرور ملی در میان اقلیت‌های قومی و مهاجر در اروپا" با استفاده از داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها و پیمایش ارزش‌های اروپایی، تأثیر تبعیض، فقر و درک از منزلت را بر روی احساس غرور ملی مورد بررسی قرار داد. او در این تحقیق نشان می‌دهد که هر چند احساس غرور ملی در میان اقلیت‌ها در کل پایین است ولی اگر این اقلیت‌های قومی و مهاجر فقیر باشند و خودشان را مورد تبعیض ببینند، این احساس به حداقل کاهش پیدا می‌کند.

۳- مبانی نظری

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، در مورد غرور ملی به صورت مستقل تحقیقات اندکی انجام پذیرفته است. در واقع مفهوم غرور ملی و مؤلفه‌های آن به صورت انضمامی بیشتر در تحقیقات ملی‌گرایی، میهن‌پرستی و هویت ملی به کار رفته است. همچنین اکثریت قریب به اتفاق تحقیقاتی که در خارج چه به صورت مستقل و چه در قالب مفاهیم کلی دیگر به سنجش مفهوم غرور ملی پرداخته‌اند مقیاس مربوط به این مفهوم را که در پرسشنامه هویت ملی "برنامه پیمایش اجتماعی بین‌المللی"^۳ ارائه شده است مبنا قرار داده‌اند. در این پرسشنامه برای سنجش غرور ملی ۱۰ گویه یا مؤلفه تعیین شده است که عبارتند از احساس غرور نسبت به:

- ۱- طرز کار دموکراسی؛
- ۲- نفوذ سیاسی در جهان؛
- ۳- دستاوردهای اقتصادی؛
- ۴- نظام تأمین (امنیت) اجتماعی؛
- ۵- دستاوردهای فنی و علمی؛
- ۶- موفقیت‌های ورزشی؛
- ۷- دستاوردهای هنری و ادبی؛
- ۸- نیروهای مسلح؛
- ۹- تاریخ کشور؛

¹ Heath

² Cebotary

³ Issp

۱۰- رفتار عادلانه و برابر با همه گروه‌ها در جامعه.

تداوم چنین روندی در تحقیقات باعث شده است که در مورد غرور ملی به عنوان یک پدیده اجتماعی نظریه‌پردازی انجام نگیرد و انگاره‌های نظری در باره آن به صورت یافته‌ها و گزاره‌های تجربی بیان شود. با این وجود، سه تن از پژوهشگران در دانشگاه لوون^۱ بلژیک به نام‌های ملدرز^۲، دی پک^۳ و ریلو^۴ (۲۰۰۹) تلاش نمودند تا یک چارچوب نظری برای مفهوم غرور ملی ارائه نموده و آن را با داده‌های تجربی بیازمایند. آن‌ها چون این نظریه را با استفاده از نمودارهای دایره‌ای به تصویر کشیدند، نام آن را نظریه سرکامپلکس^۵ غرور ملی گذاشتند. در این جا کوشش می‌شود در حد مقاله حاضر به صورت خیلی فشرده به این الگوی نظری اشاره شود:

به نظر ملدرز، دی پک و ریلو، نه تنها دستاوردها، و موفقیت‌ها، بلکه نوع رابطه افراد با گروه‌ها نیز می‌تواند منبع غرور باشد. آن‌ها توضیح می‌دهند که گروه‌ها دو نوع رابط دارند: روابط درون گروهی و بین گروهی، که هر کدام از این روابط دو بعد دارند: سلطه در برابر اطاعت، و عشق در مقابل نفرت. روابط درون گروهی ممکن است بر اساس مراقبت‌های داخلی (همبستگی و نظام رفاه اجتماعی پیشرفته) از اعضای گروه، و همچنین بر اساس قدرت درونی (سلطه گروه‌ها بر گروه‌های دیگر و رژیم اقتدارگرا) توصیف شود. شخص ممکن است تصور کند که تنها مراقبت‌های داخلی، و نه قدرت داخلی، منبع غرور ملی است. روابط بین گروهی نیز می‌تواند بر اساس مراقبت خارجی و قدرت خارجی توصیف شود. مراقبت‌های خارجی به معنای همبستگی بین‌المللی، کمک کشورها به یکدیگر، حفظ روابط خوب و صلح‌آمیز با هم، و قدرت خارجی به معنی اثرگذاری و سلطه بیشتر یک کشور در جهان است. بدین ترتیب مشخص می‌شود که غرور ملی ممکن است در ارتباط با مراقبت‌های داخلی از افراد توسط گروه، مراقبت‌های خارجی، قدرت خارجی و دستاوردهای گذشته و امروزی گروه باشد (ملدرز، دی پک و ریلو، ۲۰۰۹: ۲ و ۳). بر مبنای چنین مفروضاتی، ملدرز، دی پک و ریلو، برای طراحی الگوی نظری خود شش فرضیه را مطرح ساختند:

۱- مجموعه جنبه‌هایی را که افراد ممکن است در مورد آن‌ها نسبت به کشور خود احساس غرور کنند، می‌توان در قالب یک دایره چند بخشی نمایش داد که در آن هر بخش به یک منبع بالقوه غرور ملی اشاره می‌کند.

بر اساس این فرضیه، ملدرز، دی پک و ریلو، چهار منبع بالقوه برای غرور ملی در نظر گرفته، و دایره نظری خود را به چهاربخش تقسیم نمودند و هر بخش را به یک منبع اختصاص دادند. این

¹ Leuven

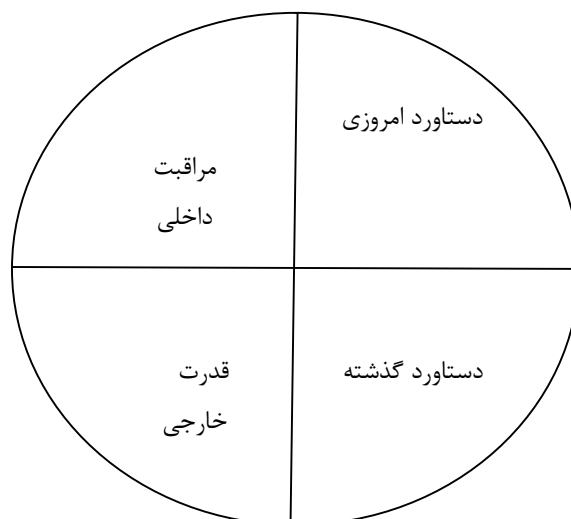
² Meulders

³ De Boeck

⁴ Realo

⁵ Circumplex

منابع عبارتند: "مراقبت‌های داخلی" یعنی شیوه‌ای که بدان طریق دولت- ملت از شهروندانش مراقبت می‌کند؛ "دستاوردهای امروزی"؛ "دستاوردهای گذشته" و "قدرت خارجی" (شکل ۱).



شکل شماره (۱). دایره فرضی نظریه سرکامپلکس؛ منبع: ملدرز، دی پک و ریلو (۲۰۰۹)

۲- احساس غرور نسبت به یک جنبه خاص مبتنی بر احساس غرور نسبت به یک یا چند منبع بالقوه غرور ملی است. برای مثال احساس غرور نسبت به نظام تأمین اجتماعی، ممکن است مبتنی بر احساس غرور به مراقبت داخلی و دستاوردهای امروزی باشد.

۳- افراد می‌توانند برای غرور ملی خود یک یا چند منبع داشته باشند. برای مثال یک شخص ممکن است هم نسبت به دستاوردهای امروزی و هم دستاوردهای گذشته کشورش احساس غرور کند.

۴- این‌که شخص در مورد جنبه خاصی به کشور خود احساس غرور می‌کند (برای مثال در مورد نظام تأمین اجتماعی)، نقشه برداری خاصی از (۱) منابع غرور مرتبط با آن جنبه خاص و (۲) منابعی است که شخص به آن‌ها احساس غرور می‌کند.

۵- درک غرور در مورد یک جنبه خاص، از نظر منابع غرور، روی دادی احتمالی است.

۶- یک شخص با احتمال خاصی که به ملیت او بستگی دارد نسبت به یک منبع احساس غرور می‌کند (همان: ۷-۴).

نتایج آزمون این فرضیات، نشان می‌دهد که:

نخست، احتمال بالایی وجود دارد که جنبه‌های خاصی مانند نظام تأمین اجتماعی، طرز کار دموکراسی، رفتار برابر و منصفانه با همه گروه‌های اجتماعی، با مراقبت‌های داخلی به عنوان منبع غرور ملی مرتبط باشند.

دوم، احتمال بالایی وجود دارد که منبع یا بعدی که با نام دستاوردهای امروزی برچسب خورده است، شامل احساس غرور نسبت به جنبه‌هایی شود که با سیاست، اقتصاد، علم و تکنولوژی، ورزش، هنر و ادبیات مرتبط هستند.

سوم، احتمال بالایی وجود دارد که منبع یا بعد "دستاوردهای گذشته"، مرتبط با "تاریخ" و دستاوردهایی باشد که می‌توانند به گذشته اشاره کنند. مانند علم و تکنولوژی؛ ورزش؛ هنر و ادبیات. چهارم، احتمال بالایی وجود دارد که منبع یا بعدی که با عنوان قدرت خارجی بر چسب خورده است به احساس غرور نسبت به نیروهای مسلح مربوط شود. همچنین احتمال متوسطی وجود دارد که این منبع با احساس غرور به "نفوذ سیاسی کشور" و "دستاوردهای اقتصادی" همبسته باشد. و نهایت این که احتمال نسبتاً بالایی دارد که در کل منبع چهارم با احساس غرور به تاریخ کشور فرد مرتبط باشد (همان: ۱۵-۱۳).

به‌طور خلاصه این تحلیل تجربی فرضیات نظریه ملدرز، دی‌پک و ریلو را به اثبات رسانده و تأیید می‌کند که احساس غرور ملی را می‌توان در چهار بعد کلی در نظر گرفت که عبارتند از: احساس غرور به مراقبت داخلی از شهروندان، احساس غرور به دستاوردهای امروزی کشور؛ احساس غرور به دستاوردهای گذشته کشور؛ و احساس غرور به قدرت خارجی کشور. افزون بر این، تحلیل نشان می‌دهد که هر کدام از این ابعاد یا منابع غرور ملی، شامل جنبه‌ها یا مؤلفه‌هایی است که به صورت احتمالی به این ابعاد تعلق دارند، به بیان دیگر، هر چند ممکن است هر کدام از ابعاد چهارگانه با دیگر ابعاد در مورد برخی مؤلفه‌ها همپوشانی داشته باشند ولی با لحاظ کردن احتمال می‌توان دآوری کرد که هر منبع یا بعد شامل چه مؤلفه‌هایی است.

درباره تغییر و تحولات غرور ملی نیز دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. یکی از دیدگاه‌ها اشاره دارد که با گسترش جهانی شدن، غرور ملی در کشورها کاهش می‌یابد. این رویکرد شامل فرضیات مختلفی است. یکی از این فرضیه‌ها ادعا می‌کند که جهانی شدن اقتصاد و گسترش بازارها، باعث تضعیف دولت و در نتیجه، کاهش احساس تابعیت ملی^۱ می‌شود (تامبینی، ۲۰۰۱: ۱۹۸). فرضیه دیگر مدعی است که با تعمیق جهانی شدن و پیدایش هویت‌های فراملی، دلبستگی‌های ملی کاهش می‌یابد (دایکسترا، گویجن و رویتر، ۲۰۰۱: ۷۵-۷۹). فرضیات رقیب، این ادعاها را رد نموده و تأکید می‌کنند که دلبستگی‌های ملی ضعیف نشده است (ایونز و کلی، ۲۰۰۲: ۳۲۸).

^۱. national citizenship

در دیدگاهی دیگر، به این نکته اشاره می‌شود که تغییرات نسلی، سکولار شدن و گسترش آموزش عالی موجب کاهش غرور ملی شده است (تایلی و هیث، ۲۰۰۷: ۶۷۴ و ۶۷۵). این در حالی است که غرور ملی به طور مثبت و قوی با احساس نیاز افراد به دیده شدن به عنوان عضو واقعی یک کشور و با مخالفت با چند جانبه‌گرایی و بین‌الملل‌گرایی همبسته است (اسمیت و کیم، ۲۰۰۶: ۱۳۳). در واقع بین شرایط اجتماعی و فرهنگی که شخص در آن زندگی می‌کند، با ماهیت تعیین هویت ملی او ارتباط نزدیکی وجود دارد. افرادی که در عصری زندگی می‌کنند که جامعه از همبستگی ملی بالایی برخوردار است (مانند دوران دفاع مقدس)، احتمال بیشتری دارد، نسبت به افرادی که در دوران کاهش همبستگی ملی زندگی می‌کنند دلبستگی ملی پایدارتری کسب کنند. بنابراین حوادث و دگرگونی‌های عظیم سیاسی و اجتماعی می‌تواند بر روی هویت ملی اثر گذاشته و از این طریق غرور ملی را تحت تأثیر قرار دهد. از متغیرهای کلان دیگر که پژوهشگران به آن پرداخته‌اند، نابرابری در درآمد است. هان^۱، در واکاوی ارتباط بین این متغیر و غرور ملی نشان می‌دهد که در کشورهایی که نابرابری درآمد و در عین حال مهاجرت از خارج به داخل نیز افزایش می‌یابد، احساسات ملی مانند غرور ملی در میان طبقات پایین‌تر، بیشتر می‌شود (هان، ۲۰۱۳: ۵۱۶).

نتایج تحقیقات دیگر، حاکی از آن است که اعتماد بین‌فردی، سلامت روانی^۲ و رضایت از زندگی، همبستگی مثبت و قوی با احساس غرور به مراقبت‌های داخلی از شهروندان، و همبستگی مثبت ولی کمی ضعیف‌تر با غرور به دستاوردهای امروزی دارد (ملدرز، دی‌بک و ریلو، ۲۰۰۹: ۲۳ و ۲۴). افزون بر این‌ها، تبعیض اجتماعی (سبوتاری، ۲۰۱۵؛ غلامی و علیزاده، ۱۳۹۶) احساس محرومیت نسبی، مشروعیت نظام سیاسی، و در کل، بهبود شرایط زندگی نیز از جمله عواملی هستند که می‌توانند موجب تغییر احساس غرور ملی در میان گروه‌های اجتماعی شوند (غلامی و علیزاده، ۱۳۹۶: ۱۳۵). در این رابطه، یعقوبی (۱۳۹۸) نشان می‌دهد که خوش بینی/بدبینی به آینده نیز می‌تواند ملی‌گرایی را که غرور ملی یکی از مؤلفه‌های اصلی آن است تحت تأثیر قرار دهد. شواهد همچنین حاکی از آن است که غرور ملی در دموکراسی‌های با ثبات پایدار و توسعه‌یافته، بیشتر است (اسمیت و جارکو، ۱۹۹۸: ۱۶). بدین ترتیب با توجه به یافته‌ها و متغیرهای مستقل مورد اشاره، به صورت کلی می‌توان گفت که احساس غرور ملی تحت تأثیر سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع قرار دارد.

غرور ملی نه تنها از عوامل سطح کشوری، بلکه از ویژگی‌های فردی نیز متأثر می‌شود (اسمیت و جارکو، ۱۹۹۸: ۱۸). سن و جنسیت بر روی غرور ملی تأثیر دارد (اسمیت و جارکو، ۱۹۹۸؛ ایونز و کلی، ۲۰۰۲؛ اسمیت و کیم، ۲۰۰۶). همچنین تحصیلات نیز بر روی غرور ملی اثرگذار است (ایونز و کلی، ۲۰۰۲؛ اسمیت و کیم، ۲۰۰۶؛ هان، ۲۰۱۳؛ هاشمیان‌فر، هاشمی و جلالی، ۱۳۹۰). همچنین

^۱. Han

^۲. Subjective well-being

موقعیت طبقاتی افراد در میزان و نوع احساس غرور ملی آن‌ها مؤثر است (هاشمیان‌فر، هاشمی و جلالی ۱۳۹۰ الف: ۱۶۳).

با توجه به بحث‌های مطرح شده در مبانی نظری و تجربه موجود، در تحقیق حاضر متغیرهای جنسیت و سن از تحقیق اسمیت و جارکو، ۱۹۹۸؛ ایونز و کلی، ۲۰۰۲؛ و اسمیت و کیم، ۲۰۰۶؛ متغیر تحصیلات از پژوهش تایللی، ۲۰۰۷ و هان، ۲۰۱۳؛ به عنوان متغیرهای زمینه‌ای که رابطه آن‌ها با غرور ملی شایسته بررسی است انتخاب شدند. همچنین متغیر احساس تبعیض، از تحقیق سبوتاری، ۲۰۱۵؛ و غلامی و علیزاده، ۱۳۹۶؛ متغیر خوش‌بینی/بدبینی به آینده کشور از پژوهش یعقوبی، ۱۳۹۸؛ متغیر طبقه اجتماعی از تحقیق هاشمیان‌فر، هاشمی و جلالی، ۱۳۹۰؛ که در این‌جا به صورت متغیر تصور از طبقه اجتماعی به کار گرفته شده است؛ و نهایت متغیرهای نگرش سیاسی و استفاده از رسانه (مدت زمان تماشای تلویزیون، تماشای ماهواره و مصرف اینترنت از طریق گوشی همراه) بر اساس مفروضات تحقیق حاضر به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شدند.

۴- سؤال‌های تحقیق

این تحقیق در پی پاسخ به سه پرسش کلی است:

- ۱- میزان احساس غرور ملی در میان شهروندان شهر کاشان به‌طور متوسط چقدر است؟
- ۲- احساس غرور ملی شهروندان کاشانی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، سن و تحصیلات) چگونه تغییر پیدا می‌کند؟
- ۳- کدام عوامل (متغیرهای مستقل) و چگونه بر احساس غرور ملی شهروندان کاشانی تأثیر می‌گذارند؟

۵- روش تحقیق

این تحقیق در چهارچوب روش کمی و با استفاده از تکنیک پیمایش انجام پذیرفته است، که در آن، واحد تحلیل، فرد است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه ساختاریافته و محقق ساخته بوده که شاخص‌ها و گویه‌های مورد سنجش در آن، پس از اجرای پیش‌آزمون و بازنگری‌های ضروری، به صورت طیف لیکرت (درجه‌بندی شده از ۱ تا ۵) به پاسخ‌گویان ارائه شدند.

جامعه آماری این پژوهش افراد بالای ۱۸ سال سن و ساکن شهر کاشان بودند. که از بین آن‌ها تعداد ۵۷۴ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و به صورت تصادفی از بلوک‌ها و خوشه‌ها انتخاب شدند و سپس پرسشگران آموزش دیده، به صورت حضوری با آن‌ها مصاحبه کردند. در این تحقیق حجم نمونه با استفاده از روش برآورد دیوید د واس و بر حسب خطای نمونه‌گیری

(نگاه کنید به د و اس، ۱۳۷۶: ۷۸) تعیین شده است. بر این اساس، با پذیرش خطای نمونه‌گیری ۴/۵ تا ۵ درصد و میزان همگنی ۵۰/۵۰ جمعیت در مورد متغیرهای اصلی تحقیق، حجم نمونه، ۴۹۴ نفر برآورد شد. ولی در عمل برای جلوگیری از کاهش احتمالی نمونه‌ها در عملیات میدانی و همچنین، ملاحظه برخی احتمالات، از قبیل سوگیری مؤثر نمونه، حجم نمونه، با تعدادی افزایش، ۵۷۵ نفر تعیین شد.

۵-۱- تعریف عملیاتی مقیاس‌ها و اعتبار و پایایی آن‌ها

در تحقیق حاضر سنجش مفهوم غرور ملی به‌عنوان متغیر وابسته، با استفاده از گویه‌ها (به جز یک گویه) و مقیاس پرسش‌نامه "برنامه پیمایش اجتماعی بین‌المللی" (۱۹۹۵ و ۲۰۰۳) انجام پذیرفته است (نگاه کنید به جدول، ۱). هیرم (۲۰۰۳) برای سنجش و تحلیل دقیق مفهوم غرور ملی، این گویه‌ها را در دو بعد سیاسی و فرهنگی دسته‌بندی می‌کند. این تحقیق نیز به پیروی از کار هیرم، همین دسته‌بندی را به کار برده است، با این تفاوت که به جای گویه غرور به "طرز کار دموکراسی"، گویه "نحوه حکمرانی در کشور" را تعیین و وارد مقیاس نموده است.

این مقیاس مانند هر تک سنج، هم باید معتبر و هم پایا باشد. اعتبار مقیاس‌های لیکرتی را که در این جا نیز از آن استفاده شده است می‌توان با بررسی "تک‌بعدی بودن" (اعتبار همگرا^۱)، که با همبستگی گویه با کل مشخص می‌شود تعیین نمود. همبستگی گویه با کل^۲ دست‌کم باید ۰/۳ باشد. همچنین پایایی این مقیاس‌ها را نیز می‌توان با محاسبه آلفای کرونباخ سنجید. یک مقیاس برای پایا بودن دست‌کم باید دارای ضریب آلفای ۰/۷ باشد (د و اس، ۱۳۹۴: ۲۱۴ و ۲۱۵). محاسبه میانگین آماره همبستگی گویه با کل و همچنین ضریب آلفای مقیاس‌های غرور ملی (نگاه کنید به جدول ۱، ۵) حاکی بر اعتبار و پایایی بالای این مقیاس‌ها است.

جدول شماره (۱). گویه‌ها و میزان پایایی مقیاس‌های غرور ملی

غرور ملی	گویه‌ها	ضریب آلفا	میانگین همبستگی گویه با کل
فرهنگی	۱- دستاوردهای هنری و ادبی ۲- دستاوردهای فنی و علمی ۳- موفقیت‌های ورزشی ۴- نیروهای مسلح ایران ۵- تاریخ ایران	۰/۷۶۵	۰/۵۳

^۱. Convergent Validity

^۲. Item-Total

سیاسی	۰/۸۴۹	۰/۶۶	۱- نحوه حکمرانی در کشور ۲- موفقیت‌های اقتصادی ایران ۳- رفتار عادلانه و برابر با همه گروه‌ها در جامعه ۴- نفوذ سیاسی ایران در جهان ۵- نظام امنیت اجتماعی
کلی	۰/۸۵۷	۰/۵۶	همه گویه‌های دو بعد غرور ملی

همه متغیرهای مستقل نیز (به جز متغیرهای زمینه‌ای) با گویه‌هایی سنجیده شده‌اند که در پیمایش‌های معتبر، یعنی پیمایش جهانی ارزش‌ها^۱، مطالعه ارزش‌های اروپایی^۲ و پیمایش اجتماعی عمومی^۳، یا پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان به کار رفته و بنابراین دارای اعتبار صوری قابل قبولی هستند. افزون بر این، برای مقیاس "خوش‌بینی/بدبینی" به آینده^۴ نیز که ۶ گویه دارد میانگین همبستگی گویه با کل به میزان ۰/۸۱ به دست آمده است که نشانگر اعتبار همگرای بسیار بالا است. همچنین ضریب آلفا برای مقیاس یاد شده به میزان ۰/۹۳۷ محاسبه شده است که پایایی بسیار بالای آن را به نمایش می‌گذارد.

جدول شماره (۲). تعریف عملیاتی و اعتبار و پایایی شاخص خوش‌بینی/بدبینی

نام شاخص	گویه‌ها
خوش‌بینی/بدبینی	۱- به‌طور کلی در آینده، عملکرد (یا حاصل کارها و فعالیت‌ها) ایران به‌جای این‌که بهتر شود، بدتر خواهد شد؛
	۲- در آینده، اقتصاد ایران، به جای این‌که بهتر شود، بدتر خواهد شد؛
	۳- در آینده، امنیت ایران به‌جای این‌که بهتر شود، بدتر خواهد شد؛
	۴- در آینده، موقعیت سیاسی ایران به‌جای این‌که بهتر شود، بدتر خواهد شد؛
	۵- در آینده، فرهنگ ایران به‌جای این‌که بهتر شود، بدتر خواهد شد؛
	۶- در آینده، کیفیت زندگی در ایران به‌جای این‌که بهتر شود، بدتر خواهد شد.
ضریب آلفا	۰/۹۳۷
میانگین همبستگی گویه با کل	۰/۸۱

متغیر نگرش سیاسی، با سه نوع نگرش یا سه معرف "تغییر اساسی وضع موجود"، "اصلاح‌طلبی" و "دفاع از وضع فعلی"، عملیاتی شده است. متغیر "تصور از طبقه" نیز بر اساس

^۱. Wvs

^۲. Evs

^۳. Gss

تعریف عملیاتی این متغیر، شامل "تصور افراد از تعلق خود به سه طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پایین" است. تماشای تلویزیون و ماهواره و مصرف اینترنت در گوشی همراه نیز بر حسب ساعت و به عنوان متغیر فاصله‌ای سنجیده شده‌اند.

۶ - یافته‌ها

۶-۱. یافته‌های توصیفی

محاسبه آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای زمینه‌ای حاکی از آن است که حداقل سن پاسخ‌گویان ۱۸ و حداکثر ۷۰ است و میانگین سنی آن‌ها نیز حدود ۳۴ سال است. میانۀ سنی افراد نیز ۳۱ سال است که نشان می‌دهد، نیمی از پاسخ‌گویان کمتر از ۳۱ و نیمی دیگر بیش از ۳۱ سال سن دارند. همچنین ۴۲ درصد نمونه انتخاب شده، مرد و ۵۸ درصد زن هستند. این در حالی است که ۳۳/۶ درصد پاسخ‌گویان، مجرد (هرگز ازدواج نکرده)، ۵۶/۴ درصد متأهل، و ۱۰ درصد بدون همسر (مطلقه، همسر فوت شده و جدا از همسر) هستند. از نظر تحصیلات نیز، ۶/۲ درصد پاسخ‌گویان، بیسواد و یا دارای سواد ابتدایی هستند، ۳۷/۶ درصد، تحصیلات دوره راهنمایی و دیپلم دارند، ۴۷/۶ درصد دارای مدرک دانشگاهی کاردانی و کارشناسی بوده و ۸/۶ درصد نیز کارشناسی ارشد و دکترا هستند.

محاسبه آماره‌های توصیفی شاخص احساس غرور ملی که از ۱۰ گویه پنج قسمتی تشکیل شده حاکی از آن است که ۴۶/۱ درصد پاسخ‌گویان کاشانی دارای غرور ملی پایین (نمرات ۳۱-۱۰)، ۲۳/۵ درصد غرور ملی متوسط (نمرات ۳۶-۳۲) و ۳۰/۴ درصد دارای غرور ملی بالا هستند. این‌ها در حالی است که حداقل و حداکثر نمره ممکنه که پاسخ‌گویان در این شاخص دریافت نموده‌اند، به ترتیب ۱۰ و ۵۰ است. با توجه به این دامنه تغییرات، میانگین نمرات (حدود ۳۲/۶۳) و میانۀ آن‌ها (۳۲) نشان می‌دهد که در کل، احساس غرور ملی پاسخ‌گویان کاشانی قدری بالاتر از حد متوسط (۳۰) است. توصیف دو بعد غرور ملی یعنی احساس غرور ملی سیاسی و فرهنگی نیز آشکار می‌سازد که در بعد خرده شاخص غرور ملی سیاسی (با حداقل نمره ممکن ۵ و حداکثر ۲۵)، ۳۶/۶ درصد پاسخ‌گویان دارای غرور سیاسی پایین (۱۲-۵)، ۳۶/۲ درصد، غرور متوسط (۱۷-۱۳) و ۲۷/۲ درصد نیز دارای غرور بالا (۲۵-۱۸) هستند. میانگین این خرده شاخص ۱۴/۴ است که نشان می‌دهد احساس غرور ملی سیاسی پاسخ‌گویان کاشانی در کل اندکی پایین‌تر از حد متوسط (۱۵) است. در خرده شاخص غرور فرهنگی (با حداقل نمره ممکن ۵ و حداکثر ۲۵) مشاهده می‌شود که ۳۸/۷ درصد پاسخ‌گویان، از غرور ملی فرهنگی پایین (۱۷-۵)، ۳۲/۳ درصد، متوسط (۲۰-۱۸) و ۲۹ درصد از غرور بالایی (۲۵-۲۱) برخوردارند. محاسبه میانگین نمرات این خرده‌شاخص به میزان ۱۸/۲ بیانگر

این است که در کل، غرور ملی فرهنگی پاسخ‌گویان کاشانی بالاتر از حد متوسط (۱۵) است. بنابراین در میان پاسخ‌گویان، غرور فرهنگی در مقایسه با غرور سیاسی از وضعیت مناسب‌تری برخوردار است.

۶-۲- یافته‌های استنباطی

۴-۲-۱- رابطه متغیرهای زمینه‌ای با احساس غرور ملی (متغیر وابسته)

تحلیل میانگین‌های سه شاخص احساس غرور ملی کلی، غرور ملی سیاسی و فرهنگی بر حسب جنسیت نشان می‌دهد که در هر مورد میانگین‌ها بسیار نزدیک به هم هستند (نگاه کنید به جدول ۱،۴) و تفاوت آماری معنی‌داری بین دو جنس وجود ندارد. این مقایسه که به کمک آزمون t (نگاه کنید به جدول ۲،۴) و با فرض برابری واریانس‌ها انجام شده حاکی از آن است که اولاً در هر سه مورد، مقدار F برای آزمون لون معنی‌دار نبوده و بنابراین اصل برابری واریانس‌ها برقرار است و دوم این‌که تفاوت میانگین‌های غرور ملی کلی، غرور ملی سیاسی و فرهنگی برای زن‌ها و مرد‌ها معنی‌دار نیستند. به بیان دیگر مردان و زنان کاشانی در مورد مؤلفه‌های فرهنگی غرور ملی یعنی دستاوردهای هنری و ادبی کشور، دستاوردهای فنی و علمی، موفقیت‌های ورزشی، نیروهای مسلح و تاریخ ایران، احساس مشابهی دارند. این وضعیت در مورد مؤلفه‌های سیاسی غرور ملی یعنی نحوه حکمرانی در کشور، موفقیت‌های اقتصادی ایران، رفتار عادلانه و برابر با همه گروه‌ها در جامعه، نفوذ سیاسی ایران در جهان، نظام امنیت اجتماعی ایران نیز صادق است. به این ترتیب آشکار می‌شود که شهروندان کاشانی (زن و مرد) در کل، دارای غرور ملی یکسانی هستند که مطابق جدول (۱،۶) میزان آن برای زنان و مردان در شاخص کل، قدری بالاتر از حد متوسط، در شاخص غرور سیاسی اندکی پایین‌تر از حد متوسط و در مورد غرور فرهنگی بالاتر از متوسط است. به عبارت دیگر هم زنان و هم مردان کاشانی به طور نسبی غرور ملی فرهنگی بالاتری را از خود بروز می‌دهند.

جدول شماره (۳). میانگین و انحراف معیار احساس غرور ملی کلی، غرور ملی سیاسی و فرهنگی

شاخص‌ها	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
غرور ملی کلی	زن	۳۲۳	۳۲/۶۵۰	۸/۲۰۸
	مرد	۲۳۹	۳۲/۶۰۲	۸/۲۶۳
غرور ملی سیاسی	زن	۳۲۶	۱۴/۳۸۰	۵/۲۸۱
	مرد	۲۴۰	۱۴/۴۷۵	۵/۲۰۲
غرور ملی فرهنگی	زن	۳۲۹	۱۸/۳۰۰	۴/۱۸۱
	مرد	۲۴۰	۱۸/۰۸۳	۴/۱۱۵

جدول شماره (۴). نتایج آزمون t برای مقایسه میانگین‌های احساس غرور ملی کلی، سیاسی و فرهنگی بر حسب جنسیت

فاصله اطمینان ۹۵٪ برای تفاوت میانگین‌ها	آزمون t					آزمون یون برای برابری واریانس‌ها		شاخص‌ها	
	حد پایین	حد پایین	خطای معیار تفاوت	تفاوت میانگین‌ها	Sig (دو دامنه)	درجه آزادی	t		Sig
1/425	-۱/۳۳	۰/۷۰۱	۰/۰۴۸	۰/۹۴۶	۵۶۰	۰/۰۶۸	۰/۹۶۲	۰/۰۰۲	غرور ملی کلی
۰/۷۸۲	-۰/۹۷۱	۰/۴۴۶	۰/۰۹۵	۰/۸۳۲	۵۶۴	-۰/۲۱۲	۰/۴۹۱	۰/۴۷۶	غرور ملی سیاسی
۰/۹۰۱	۰/۴۷۵	۰/۴۴۵	۰/۲۱۷	۰/۵۳۷	۵۶۷	۰/۶۱۷	۰/۷۹۸	۰/۰۶۵	غرور ملی فرهنگی

محاسبه ضریب همبستگی رو اسپیرمن^۱ میان احساس غرور ملی کلی و دو بعد آن یعنی غرور سیاسی و فرهنگی با میزان تحصیلات پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که بین شاخص غرور ملی و سطح تحصیلات افراد به میزان $-۰/۱۳۳$ همبستگی منفی و به لحاظ آماری معنی‌دار وجود دارد که بیانگر این است که با افزایش سطح تحصیلات در میان پاسخ‌گویان کاشانی، تا حدی از غرور ملی کلی آن‌ها کاسته می‌شود. به بیان دیگر، تحصیلات تأثیر منفی بر احساس غرور ملی کلی افراد می‌گذارد. چنین ارتباطی در مورد غرور ملی سیاسی نیز وجود دارد. به این معنی که با افزایش تحصیلات، احساس غرور ملی سیاسی افراد تا اندازه‌ای کاهش پیدا می‌کند. میزان تأثیر تحصیلات بر غرور ملی سیاسی $-۰/۱۱۸$ است. این در حالی است که احساس غرور ملی فرهنگی بر حسب سطح تحصیلات به طور معنی‌داری تغییر نمی‌یابد. به عبارتی، همه پاسخ‌گویان کاشانی با هر میزان سواد و تحصیلات تقریباً غرور ملی فرهنگی مشابهی را ابراز می‌کنند. نتایج آماری این تحلیل در جدول زیر آمده است.

جدول شماره (۵). همبستگی شاخص‌های سه‌گانه احساس غرور ملی با سطح تحصیلات

غرور ملی فرهنگی	غرور ملی سیاسی	شاخص کلی احساس غرور ملی	ضریب همبستگی
۰/۰۷۵	-۰/۱۱۸	-۰/۱۳۳	رو اسپیرمن
۰/۰۷۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	سطح معنی‌داری (دو دامنه)
۵۶۴	۵۶۱	۵۵۷	تعداد نمونه معتبر

^۱ Spearman's Rho

به منظور بررسی تأثیر احتمالی تحولات نسلی بر احساس غرور ملی که در مبانی نظری مورد اشاره قرار گرفته بود و یکی از ادعاهای نظری و تجربی در ادبیات تحقیق است متغیر سن به چهار دسته تقسیم شد و میانگین احساس غرور ملی کلی، غرور سیاسی و فرهنگی بر حسب این گروه‌ها محاسبه و مورد مقایسه و آزمون قرار گرفت. این مقایسه به کمک آزمون شفه^۱ انجام پذیرفت که در آن اصل برابری واریانس‌ها رعایت شده است. در واقع در هر سه آزمونی که انجام شد آزمون لئون معنی دار نبوده و به عبارتی واریانس‌ها نابرابر نیستند. در آزمون اول، تحلیل واریانس یک طرفه^۲ احساس غرور ملی کلی بر حسب گروه‌های سنی نشان می‌دهد که در کل، واریانس بین گروه‌های سنی بسیار بیشتر از واریانس درون گروهی بوده و معنی دار است ($F=3/997, P=0/008$). به عبارت دیگر به صورت کلی می‌توان گفت که میانگین احساس غرور ملی در میان گروه‌های سنی متفاوت است. ولی این تحلیل نشان نمی‌دهد که بین کدام گروه‌های سنی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. آزمون شفه به این پرسش پاسخ می‌دهد. جدول (۴،۶) میانگین‌های غرور ملی کلی را بر حسب گروه‌های سنی نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود میانگین‌های محاسبه شده در تمامی گروه‌ها، در محدوده^۳ فاصله^۴ اطمینان ۹۵٪ قرار می‌گیرند. بنابراین به احتمال ۹۵ درصد همه^۵ میانگین‌های محاسبه شده^۶ احساس غرور ملی کلی، برای گروه‌های سنی افراد نمونه، بازتاب دهنده^۷ تقریبی این میانگین‌ها در گروه‌های سنی جامعه آماری و یا به عبارتی کاشانی‌ها هستند. جدول (۵،۶) نتایج مقایسه‌های چندگانه بین این میانگین‌ها را به نمایش می‌گذارد. همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، اختلاف بین میانگین‌ها به جز در یک مورد به لحاظ آماری معنی دار نبوده و به عبارتی قابل اعتنا نیست. تنها میانگین احساس غرور ملی کلی گروه سنی (۱۸-۲۸) سال به‌میزان ۳/۰۷۴ واحد از میانگین گروه سنی (۴۰-۵۰) سال کمتر است. در واقع همین تفاوت است که در تحلیل واریانس یک طرفه نمود یافته است، که نشان می‌دهد سن بر احساس غرور ملی اثرگذار است. این یافته‌ای بسیار مهم است زیرا پرسشی مهم را طرح می‌کند، که پاسخ به آن مطالعه^۸ مستقلی را می‌طلبد. چرا غرور ملی نسل خیلی جوان (گروه سنی ۱۸-۲۸) از نسل میانسال (۴۰-۵۰) به طرز معنی‌دار پایین است، ولی با سایر گروه‌های سنی به ویژه، نسل بزرگسال (۵۱ و بیشتر) تفاوتی ندارد؟

^۱. Scheffe

جدول شماره (۶). میانگین‌های احساس غرور ملی کلی بر حسب گروه‌های سنی، انحراف معیار و

فاصله اطمینان ۹۵٪ برای آن‌ها

گروه‌های سنی	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین‌ها	
				حد پایین	حد بالا
۱۸-۲۸	۲۱۶	۳۱/۲۸۲	۸/۳۱۳	۳۰/۱۶۷	۳۲/۳۹۷
۲۹-۳۹	۱۶۷	۳۲/۸۹۲	۷/۶۹۵	۳۱/۷۱۶	۳۴/۰۶۷
۴۰-۵۰	۱۲۶	۳۴/۳۵۷	۸/۳۰۶	۳۲/۸۹۲	۳۵/۸۲۱
۵۱ و بیشتر	۵۳	۳۳/۱۸۸	۸/۴۷۱	۳۰/۸۵۳	۳۵/۵۲۳
کل	۵۶۲	۳۲/۶۹۲	۸/۲۱۳	۳۱/۹۴۹	۳۳/۳۱۰

جدول شماره (۷). مقایسه‌های چندگانه بین میانگین‌های غرور ملی کلی بر حسب گروه‌های سنی

(آزمون شفیه)

گروه‌های سنی	اختلاف میانگین‌ها (ب) - (الف)	خطای معیار	معنی‌داری	فاصله اطمینان ۹۵٪	
				حد پایین	حد بالا
۱۸-۲۸	۲۹-۳۹	۰/۸۳۹	۰/۳۰	-۳/۹۶۴	۰/۷۴۴
	۴۰-۵۰	-۳/۰۷۴*	۰/۰۱	-۵/۶۳۵	۰/۵۱۳
	۵۱ و بیشتر	-۱/۹۰۶	۱/۲۴۹	-۵/۴۰۸	۱/۵۹۶
۲۹-۳۹	۱۸-۲۸	۱/۶۰۹	۰/۳۰	-۰/۷۴۴	۳/۹۶۴
	۴۰-۵۰	-۱/۴۶۴	۰/۵۰	-۴/۱۶۱	۱/۲۳۱
	۵۱ و بیشتر	-۰/۲۹۶	۱/۲۸۴	-۰/۳/۸۹۸	۳/۳۰۵
۴۰-۵۰	۱۸-۲۸	۳/۰۷۴*	۰/۰۱	۰/۵۱۳	۵/۶۳۵
	۲۹-۳۹	۱/۴۶۴	۰/۵۰	-۱/۲۳۱	۴/۱۶۱
	۵۱ و بیشتر	۱/۱۶۸	۱/۳۳۴	-۲/۵۷۲	۴/۹۰۹
۵۱ و بیشتر	۱۸-۲۸	۱/۹۰۶	۰/۵۰	-۱/۵۹۶	۵/۴۰۸
	۲۹-۳۹	۰/۲۹۶	۱/۲۸۴	-۳/۳۰۵	۳/۸۹۸
	۴۰-۵۰	-۱/۱۶۸	۱/۳۳۴	-۴/۹۰۹	۲/۵۷۲

* تفاوت میانگین‌ها در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار هستند

نتیجه‌ای که در مورد تفاوت احساس غرور ملی کلی در میان گروه‌های سنی به دست آمد با شدت کمتری در مورد غرور ملی سیاسی نیز تکرار می‌شود. محاسبه میانگین غرور ملی سیاسی در میان گروه‌های سنی مورد اشاره، در جدول (۶،۶) آمده است. همان‌طور که پیدا است همه میانگین‌ها در محدوده فاصله اطمینان ۹۵٪ قرار داشته، و بنابراین به‌طور تقریبی نشان دهنده میانگین غرور ملی سیاسی در جامعه آماری، و یا جمعیت کاشان است. تحلیل واریانس یک طرفه احساس غرور ملی سیاسی بر حسب گروه‌های سنی بیانگر این است که در کل، واریانس بین

گروه‌های سنی بسیار بیشتر از واریانس درون هر گروه سنی بوده و معنی‌دار است ($F=4/258, P=0/005$). بنابراین در کل، گروه‌بندی سنی افراد بر احساس غرور سیاسی آن‌ها مؤثر است. مقایسه چندگانه این میانگین‌ها همانند دفعه پیش حاکی از این است که اختلاف بین میانگین‌های غرور سیاسی گروه‌های سنی به جز یک مورد معنی‌دار نبوده و به لحاظ آماری قابل توجه نیست (نگاه کنید به جدول ۷،۶). در واقع در این آزمون نیز تنها میانگین غرور سیاسی گروه سنی خیلی جوان (۲۸-۱۸ سال) به میزان ۲/۰۲۸- کمتر از این میانگین در گروه میانسال (۵۰-۴۰ سال) است. به عبارت دیگر، گروه خیلی جوان به طرز معنی‌داری کمتر از نسل میان‌سال در مؤلفه‌های نحوه حکمرانی در کشور، موفقیت‌های اقتصادی ایران، رفتار عادلانه و برابر با همه گروه‌ها در جامعه، نفوذ سیاسی ایران در جهان و نظام امنیت اجتماعی ایران احساس غرور می‌کند.

جدول شماره (۸). میانگین‌های احساس غرور ملی سیاسی، بر حسب گروه‌های سنی، خطای معیار و فاصله

اطمینان ۹۵٪ برای آن‌ها

گروه‌های سنی	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین‌ها	
				حد پایین	حد بالا
۱۸-۲۸	۲۱۷	۱۳/۵۵۳	۵/۱۴۰	۱۲/۸۶۵	۱۴/۲۴۰
۲۹-۳۹	۱۶۷	۱۴/۵۵۰	۵/۰۴۳	۱۳/۷۸۰	۱۵/۳۲۱
۴۰-۵۰	۱۲۹	۱۵/۵۸۱	۵/۳۰۸	۱۴/۶۵۶	۱۶/۵۰۶
۵۱ و بیشتر	۵۳	۱۴/۷۳۵	۵/۶۳۳	۱۳/۱۸۳	۱۶/۲۸۸
کل	۵۶۶	۱۴/۴۲۰	۵/۲۴۳	۱۳/۹۸۶	۱۴/۸۵۳

جدول شماره (۹). مقایسه‌های چندگانه بین میانگین‌های غرور ملی سیاسی بر حسب گروه‌های سنی (آزمون شفیه)

فاصله اطمینان ۹۵٪		معنی‌داری	خطای معیار	اختلاف میانگین‌ها (ب) - (الف)	گروه‌های سنی	
حد بالا	حد پایین				(ب)	(الف)
۰/۵۰۲	-۲/۴۹۸	۰/۳۲	۰/۵۳۵	-۰/۹۹۷	۲۹-۳۹	۱۸-۲۸
-۰/۴۰۷	-۳/۶۴۹	۰/۰۰	۰/۵۷۷	-۲/۰۲۸*	۴۰-۵۰	
۱/۰۵۰	-۳/۴۱۶	۰/۵۳	۰/۷۹۶	-۱/۱۸۲	۵۱ و بیشتر	
۲/۴۹۸	-۰/۵۰۲	۰/۳۲	۰/۵۳۵	۰/۹۹۷	۱۸-۲۸	۲۹-۳۹
۰/۶۷۸	-۲/۷۳۹	۰/۴۱	۰/۶۰۹	-۱/۰۳۰	۴۰-۵۰	
۲/۱۱۳	-۲/۴۸۳	۰/۹۹	۰/۸۱۹	-۰/۱۸۴	۵۱ و بیشتر	
۳/۶۴۹	۰/۴۰۷	۰/۰۰	۰/۵۷۷	۲/۰۲۸*	۱۸-۲۸	۴۰-۵۰
۲/۷۳۹	-۰/۶۷۸	۰/۴۱	۰/۶۰۹	۱/۰۳۰	۲۹-۳۹	
۳/۲۲۳	-۱/۵۳۲	۰/۸۰	۰/۸۴۸	۰/۸۴۵	۵۱ و بیشتر	
۳/۴۱۶	-۱/۰۵۰	۰/۵۳	۰/۷۹۶	۱/۱۸۲	۱۸-۲۸	۵۱ و بیشتر
۲/۴۸۳	-۲/۱۱۳	۰/۹۹	۰/۸۱۹	۰/۱۸۴	۲۹-۳۹	
۱/۵۳۲	-۳/۲۲۳	۰/۸۰	۰/۸۴۸	-۰/۸۴۵	۴۰-۵۰	

* تفاوت میانگین‌ها در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار هستند

در آزمون سوم، میانگین‌های احساس غرور ملی فرهنگی بر حسب گروه‌های سنی محاسبه و بواسطه آزمون شفیه مورد مقایسه قرار گرفت. همان‌طور که جدول (۸،۶) نشان می‌دهد همه میانگین‌ها در فاصله اطمینان ۹۵٪ قرار داشته و بنابراین به تقریب نمایانگر میانگین غرور ملی فرهنگی در میان جامعه آماری و یا جمعیت کاشان هستند. به بیان دیگر، در همه گروه‌های سنی شهروندان شهر کاشان، میانگین احساس غرور ملی فرهنگی بالاتر از حد متوسط (۱۵) است. تحلیل واریانس یک طرف نیز حاکی از آن است که اندک تفاوت‌های مشاهده شده در بین میانگین‌ها به لحاظ آماری قابل اعتنا و معنی‌دار نیست ($F=۱/۶۸۸, P=۰/۱۶۹$). بنابراین در کل، گروه‌بندی سنی افراد بر احساس غرور ملی فرهنگی آن‌ها اثری ندارد. به عبارت دیگر، همه شهروندان کاشانی در هر گروه سنی از میزان غرور فرهنگی یکسانی برخوردار هستند. با توجه به این نتیجه، از اشاره به مقایسه‌های چندگانه میانگین‌ها صرف نظر می‌شود. زیرا همان‌گونه که گفته شد تفاوتی بین میانگین‌ها وجود ندارد.

جدول شماره (۱۰). میانگین احساس غرور ملی فرهنگی، بر حسب گروه‌های سنی، خطای معیار و فاصله اطمینان ۹۵٪ برای آن‌ها

گروه‌های سنی	تعداد نمونه	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین‌ها	
				حد پایین	حد بالا
۱۸-۲۸	۲۱۶	۱۷/۷۴۵	۴/۴۴۴	۱۷/۱۴۹	۱۸/۳۴۱
۲۹-۳۹	۱۷۱	۱۸/۳۳۳	۳/۷۷۷	۱۷/۷۶۳	۱۸/۹۰۳
۴۰-۵۰	۱۲۸	۱۸/۷۳۴	۴/۱۷۹	۱۸/۰۰۳	۱۹/۴۶۵
۵۱ و بیشتر	۵۴	۱۸/۴۲۵	۳/۹۱۲	۱۷/۳۵۸	۱۹/۴۹۳
کل	۵۶۹	۱۸/۲۰۹	۴/۱۵۱	۱۷/۸۶۷	۱۸/۵۵۱

۶-۲-۲- رابطه متغیرهای مستقل با احساس غرور ملی

در ادامه بررسی عوامل اثرگذار بر احساسات غرور ملی، ارتباط بین متغیرهای مستقل تحقیق با این احساسات مورد آزمون‌های آماری قرار می‌گیرد. جدول (۹،۶) میزان همبستگی پیرسون بین سه متغیر احساس غرور ملی و متغیرهای خوش‌بدبینی به آینده و استفاده از رسانه (مدت زمان تماشای تلویزیون، مدت تماشای ماهواره و استفاده از اینترنت از طریق گوشی همراه) را به نمایش می‌گذارد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بین مدت زمان تماشای تلویزیون و احساس غرور ملی کلی، غرور ملی سیاسی و غرور ملی فرهنگی به ترتیب به میزان $0/1184$ ، $0/211$ و $0/092$ ، همبستگی مثبت، مستقیم و معنی‌دار وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش استفاده از رسانه ملی احساس غرور ملی کلی، غرور ملی سیاسی و فرهنگی، در میان جمعیت آماری بیشتر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که برنامه‌های تلویزیون تأثیری مثبت بر احساس غرور ملی افراد می‌گذارد. با این وجود، ممکن است این یافته مورد انتقاد قرار گرفته و ادعا شود که تماشاگران رسانه ملی بیشتر افرادی هستند که طرفدار وضع موجود بوده و لذا نسبت به مؤلفه‌های غرور ملی احساسات مثبتی را ابراز می‌کنند. بدین لحاظ، این همبستگی‌ها با کنترل متغیر خوش‌بینی/بدبینی به آینده، دوباره محاسبه شد. نتایج این کنترل آماری نشان می‌دهد که میزان این همبستگی، نه تنها از بین نمی‌رود بلکه نسبت به قبل اندکی بیشتر نیز می‌شود. به گونه‌ای که همبستگی جزئی مربوط به غرور کلی به میزان $r=0/196$ ، $p=0/000$ ، غرور سیاسی به میزان $r=0/23$ ، $p=0/000$ و غرور فرهنگی به اندازه $r=0/10$ ، $P=0/002$ به دست می‌آید. افزون بر این، یافته‌های مورد اشاره، با کنترل متغیر نگرش سیاسی افراد نیز تکرار می‌شود. یعنی همبستگی‌های به دست آمده تغییر نمی‌کنند. بنابراین همبستگی احساسات

غرور ملی با تماشای تلویزیون و یا به بیانی اثرگذاری رسانه ملی بر غرور ملی، واقعی و با توجه به میزان همبستگی‌ها از ضعیف تا متوسط است.

تماشای ماهواره بر احساس غرور ملی کلی و غرور ملی فرهنگی تأثیر معنی‌داری ندارد (نگاه کنید به جدول ۹،۶)، ولی در حد ضعیف با احساس غرور ملی سیاسی همبستگی مثبت و معنی‌داری ($P=0/012$ ، $r=0/106$) دارد. این یافته نیز جای تأمل دارد. زیرا ملاحظه می‌شود که با کنترل متغیر بدبینی به آینده، میزان همبستگی جزئی به صورت ($P=0/002$ ، $r=0/13$) و با کنترل متغیر نگرش سیاسی به صورت ($P=0/005$ ، $r=0/119$) در آمده و به عبارتی اندکی بیشتر می‌شود. بنابراین، می‌توان استدلال کرد که برنامه‌های ماهواره‌ای نه تنها نمی‌توانند احساس غرور شهروندان کاشانی نسبت به نحوه حکمرانی در کشور، موفقیت‌های اقتصادی ایران، رفتار عادلانه و برابر با همه گروه‌ها در جامعه، نفوذ سیاسی ایران در جهان و نظام امنیت اجتماعی ایران را کاهش دهند بلکه اندکی به بهبود آن نیز یاری می‌رسانند. در واقع به نظر می‌آید که برنامه‌های ماهواره‌ای به جای کاهش احساس غرور ملی در بین شهروندان کاشانی بیشتر آن را تحریک می‌کنند.

محاسبه ضریب پیرسون بین استفاده از فضای مجازی و اینترنت از طریق گوشی همراه با احساس غرور ملی کلی ($-0/092$) و غرور ملی فرهنگی ($-0/085$)، در نگاه اول نشان می‌دهد که همبستگی ضعیف، منفی و معنی‌دار بین آن‌ها وجود دارد ولی با کنترل دو متغیر بدبینی به آینده و نگرش سیاسی، این همبستگی‌های منفی و ضعیف، ناپدید می‌شوند. بنابراین مدت استفاده از فضای مجازی در گوشی همراه تأثیری در احساس غرور ملی شهروندان کاشانی ندارد.

همان‌طور که در ستون آخر جدول (۹،۶) آمده است بین متغیر خوش‌بینی/بدبینی به آینده، با شاخص احساس غرور ملی کلی به میزان $-0/205$ ، و با غرور ملی سیاسی به اندازه $-0/262$ همبستگی منفی و معنی‌دار وجود دارد. این در حالی است که میان بدبینی به آینده و غرور ملی فرهنگی رابطه‌ای دیده نمی‌شود. بنابراین، می‌توان گفت که هر چه بدبینی نسبت به آینده کشور یعنی بدبینی نسبت به عملکرد کشور در آینده، وضعیت اقتصادی، وضع امنیت، موقعیت سیاسی ایران، فرهنگ ایران و کیفیت زندگی در ایران بیشتر می‌شود، تا حد قابل ملاحظه‌ای احساس غرور ملی کلی شهروندان کاشانی کاهش می‌یابد. این یافته در مورد احساس غرور ملی سیاسی عیناً و با شدت بیشتر تکرار می‌شود. به بیان دیگر هرچه ارزیابی افراد از آینده کشور تیره‌تر و بدبینانه‌تر می‌شود از میزان غرور ملی کلی و سیاسی آن‌ها بیشتر کاسته می‌شود. بدین ترتیب مشخص می‌شود که شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود عاملی مهم و مؤثر بر احساس غرور ملی افراد است.

جدول شماره (۱۱). همبستگی پیرسون بین متغیرهای خوش‌بینی/بدبینی به آینده و استفاده از رسانه با

احساس غرور ملی

تماشای تلویزیون	تماشای ماهواره	مصرف اینترنت با گوشی همراه	بدبینی به آینده		
۰/۱۸۴**	۰/۰۳۷	۰/۰۹۲*	۰/۲۰۵**	پیرسون	احساس غرور ملی کلی
۰/۰۰۰	۰/۳۸۸	۰/۰۲۹	۰/۰۰۰	معنی‌داری	
۵۶۱	۵۵۶	۵۶۲	۵۵۶	تعداد نمونه	
۰/۲۱۱**	۰/۱۰۶*	۰/۰۸۵*	۰/۲۶۲**	پیرسون	احساس غرور ملی سیاسی
۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۴۴	۰/۰۰۰	معنی‌داری	
۵۶۵	۵۶۰	۵۶۶	۵۶۰	تعداد نمونه	
۰/۰۹۲*	۰/۰۷۰	۰/۰۶۹	۰/۰۷۲	پیرسون	احساس غرور ملی فرهنگی
۰/۰۲۸	۰/۰۹۷	۰/۱۰۳	۰/۰۸۷	معنی‌داری	
۵۶۶	۵۶۲	۵۶۸	۵۶۳	تعداد نمونه	

** همبستگی‌ها در سطح ۰/۰۱ و دو دامنه معنی‌دار هستند

* همبستگی‌ها در سطح ۰/۰۵ و دو دامنه معنی‌دار هستند

یافته‌ها حاکی از آن است که متغیر تصور از طبقه اجتماعی، تأثیری بر احساس غرور ملی افراد ندارد (نگاه کنید به جدول ۱۰،۶). این یافته‌ای مهم است زیرا توضیح می‌دهد که احساس غرور ملی شهروندان کاشانی ارتباطی به موقعیت طبقاتی آن‌ها ندارد. به عبارت بهتر، این که شهروندان کاشانی خودشان را در موقعیت‌های طبقاتی پایین، متوسط و یا بالا، ارزیابی و تصور کنند بر احساس غرور ملی آن‌ها تأثیری ندارد. با این وجود، ارزیابی افراد از میزان تبعیض بر علیه آن‌ها، با احساس غرور ملی کلی به میزان ۰/۲۰- و با احساس غرور ملی سیاسی ۰/۲۲۸- همبستگی (رو اسپیرمن) متوسط، منفی و به لحاظ آماری معنی‌دار دارد. این در حالی است که همبستگی با غرور ملی فرهنگی هم هر چند نسبتاً ضعیف (۰/۰۹۶-)، ولی معنی‌دار است. این همبستگی‌ها نشان می‌دهند که با افزایش تأیید شهروندان کاشانی در مورد این که در جامعه مورد تبعیض واقع می‌شوند، غرور ملی کلی آن‌ها به طور نسبی کاهش می‌یابد. این یافته درباره غرور ملی سیاسی نیز صدق می‌کند. یعنی در این جا نیز با افزایش تبعیض علیه افراد به طور نسبی از غرور ملی سیاسی آن‌ها کاسته می‌شود. افزون بر این‌ها تأکید بر وجود تبعیض بر علیه خود، تا حدی از احساس غرور ملی فرهنگی نیز می‌کاهد. بر این اساس در یک تحلیل کلی، می‌توان گفت که ارزیابی شهروندان کاشانی در مورد وجود تبعیض‌های اجتماعی بر علیه آن‌ها، نقش مؤثری در کاهش غرور ملی‌شان در ابعاد مختلف دارد.

جدول شماره (۱۲). همبستگی اسپیرمن بین احساس غرور ملی با متغیرهای احساس تبعیض و تصور از

طبقه اجتماعی

تصور از طبقه اجتماعی خود	تبعیض		
۰/۰۱۰	-۰/۲۰**	رو اسپیرمن	احساس
۰/۸۱۰	۰/۰۰۰	معنی‌داری	غرور ملی
۵۵۸	۵۵۹	تعداد نمونه	کلی
-۰/۰۳۶	-۰/۲۲۸**	رو اسپیرمن	احساس
۰/۳۹۵	۰/۰۰۰	معنی‌داری	غرور ملی
۵۶۲	۵۶۳	تعداد نمونه	سیاسی
۰/۰۶۱	-۰/۰۹۶*	رو اسپیرمن	احساس
۰/۱۴۶	۰/۰۲۲	معنی‌داری	غرور ملی
۵۶۵	۵۶۶	تعداد نمونه	فرهنگی

**همبستگی‌ها در سطح ۰/۰۱ و دو دامنه معنی‌دار هستند

* همبستگی‌ها در سطح ۰/۰۵ و دو دامنه معنی‌دار هستند

آخرین متغیری که رابطه آن با شاخص‌های غرور ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد، متغیر نگرش سیاسی پاسخ‌گویان است. همان‌طور که در بخش روش تحقیق اشاره شد، این نگرش در سه بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ نگرشی که بیان می‌کند شیوه سازماندهی جامعه باید از اساس تغییر کند؛ نگرشی که بر اصلاحات تدریجی تأکید می‌ورزد؛ و نگرشی که می‌گوید باید با شجاعت از وضع موجود دفاع کرد. میانگین‌ها و تحلیل واریانس یک طرفه شاخص‌های سه‌گانه غرور ملی بر حسب سه نوع نگرش سیاسی، در دو جدول (۱۱،۶) و (۱۲،۶) ارائه شده است. همان‌طور که جدول (۱۱،۶) نمایش می‌دهد، در هر سه شاخص، نگرش تغییرطلبی پایین‌ترین میانگین‌ها را به خود اختصاص می‌دهد. در مقابل، در دو شاخص غرور ملی کلی و غرور فرهنگی، نگرش اصلاح طلبی بالاترین میانگین‌ها را به دست می‌آورد. در شاخص غرور ملی سیاسی، میانگین‌های دو نگرش اصلاح طلبی و دفاع از وضع فعلی تقریباً یکسان هستند. این‌ها در حالی است که همه میانگین‌ها در فاصله اطمینان ۹۵٪ قرار داشته و بنابراین به احتمال ۹۵ درصد میانگین‌های محاسبه شده به‌طور تقریبی همان میانگین‌های احساس غرور ملی (شاخص‌های سه‌گانه) در جامعه آماری (شهروندان کاشان) هستند. بدین ترتیب مشخص می‌شود که شهروندان تغییر طلب کاشانی، به‌گونه‌ای مشخص، در هر سه شاخص غرور ملی پایین‌ترین میانگین‌ها را دارند. شهروندان اصلاح طلب کاشانی نیز با فاصله اندکی از طرفداران وضع فعلی، بالاترین غرور ملی کلی و غرور فرهنگی را دارند.

جدول شماره (۱۳). میانگین احساس غرور ملی کلی، غرور سیاسی و فرهنگی بر حسب متغیر نگرش سیاسی

تعداد	میانگین‌ها	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪ برای میانگین‌ها			
			حد پایین	حد بالا		
۱۸۳	۲۹/۷۵۴	۸/۶۶۵	۲۸/۴۹۰	۳۱/۰۱۸	غرور ملی کلی	تغییر طلبی
۲۶۳	۳۴/۱۸۲	۷/۳۴۱	۳۳/۲۹۱	۳۵/۰۷۳		اصلاح طلبی
۱۰۵	۳۳/۵۷۱	۸/۳۶۹	۳۱/۹۵۱	۳۵/۱۹۱		دفاع از وضع موجود
۵۵۱	۳۲/۵۹۵	۸/۲۳۶	۳۱/۹۰۶	۳۳/۲۸۴		کل
۱۸۵	۱۲/۶۴۸	۵/۶۸۷	۱۱/۸۲۳	۱۳/۴۷۳	غرور ملی سیاسی	تغییر طلبی
۲۶۳	۱۵/۱۹۷	۴/۸۸۷	۱۴/۶۰۴	۱۵/۷۹۱		اصلاح طلبی
۱۰۶	۱۵/۴۸۱	۴/۶۱۱	۱۴/۵۹۳	۱۶/۳۶۹		دفاع از وضع موجود
۵۵۴	۱۴/۴۰۰	۵/۲۶۰	۱۳/۹۶۱	۱۴/۸۳۹		کل
۱۸۷	۱۷/۱۰۷	۴/۳۶۲	۱۶/۴۷۷	۱۷/۷۳۶	غرور ملی فرهنگی	تغییر طلبی
۲۶۴	۱۸/۹۷۳	۳/۵۹۰	۱۸/۵۳۸	۱۹/۴۰۸		اصلاح طلبی
۱۰۷	۱۸/۱۴۹	۴/۶۶۷	۱۷/۳۵۴	۱۹/۰۴۴		دفاع از وضع موجود
۵۵۸	۱۸/۱۹۰	۴/۱۵۶	۱۷/۸۴۴	۱۸/۵۳۵		کل

تحلیل واریانس احساس غرور ملی در ابعاد سه‌گانه نیز حاکی از آن است که واریانس بین گروهی یعنی سه نوع نگرش تغییر طلبی، اصلاح طلبی و دفاع از وضع موجود بسیار بیشتر از واریانس درون گروهی بوده و معنی‌دار است (نگاه کنید به مقادیر F و معنی‌داری آن‌ها در جدول ۱۱،۶). به عبارت دیگر، این که شهروندان کاشانی چه نوع نگرشی داشته باشند در کل، بر احساس غرور ملی آن‌ها در ابعاد مختلف تأثیر می‌گذارد و همان‌طور که ضریب همبستگی اتا^۱ نیز نشان می‌دهد شدت این روابط قابل توجه است.

جدول شماره (۱۴). نتایج تحلیل واریانس یک طرفه احساس غرور ملی بر حسب نگرش سیاسی و ضریب اتا

نگرش سیاسی				تعداد	
ضریب اتا	معنی‌داری	مقدار F			
۰/۲۴۵	۰/۰۰۰	۱۷/۴۹۸	۵۵۰	احساس غرور ملی کلی	
۰/۲۳۷	۰/۰۰۰	۱۶/۳۸۰	۵۵۳	احساس غرور ملی سیاسی	
۰/۱۹۹	۰/۰۰۰	۱۱/۴۵۹	۵۵۷	احساس غرور ملی فرهنگی	

^۱ Eta

۴- نتیجه‌گیری

مقاله حاضر احساس غرور ملی را به عنوان یکی از شاخص‌های مهم وفاداری و دلبستگی ملی اعضای جامعه، مورد بررسی و سنجش قرار داده است. یافته‌ها حاکی از آن است که غرور ملی شهروندان کاشانی در حد قابل قبولی (قدری بالاتر از متوسط) است. با این وجود، باید گفت که هر چند دلبستگی ملی وجود دارد ولی دلسردی ملی نیز احساس می‌شود. البته با این تأکید که تغییرات در بعد غرور سیاسی و تشابه در غرور فرهنگی در جمعیت تحقیق، بیشتر به چشم می‌خورد. از میان متغیرهای زمینه‌ای مورد بررسی، جنسیت تأثیری بر غرور ملی ندارد. به عبارت دیگر، زنان و مردان کاشانی از نظر احساس غرور ملی از هم متفاوت نیستند. مقایسه چندگانه احساس غرور ملی در میان نسل‌ها (گروه‌های سنی) نشان می‌دهد که تنها دو نسل با یکدیگر فرق دارند. بدین ترتیب که غرور ملی (کلی و سیاسی) جوانان (۲۸-۱۸ سال) به طرز معنی‌داری کمتر از افراد میان‌سال (۵۰-۴۰ سال) است. شاید یکی از دلایل این امر، علاوه بر تحولات نسلی و ارزشی این باشد که جوانان در مقایسه با گروه دوم، پیوندهای ضعیف‌تری (به خاطر عدم اشتغال، ابهام در آینده و...) با جامعه دارند. در حالی که گروه دوم، معمولاً افرادی هستند که شاغل، در حال پیشرفت و دارای پیوندهای متعدد و محکم‌تری با جامعه هستند. علاوه بر این یافته قابل تأمل، افزایش تحصیلات نیز موجب کاهش غرور ملی کلی و غرور سیاسی می‌شود هرچند که اثری بر غرور ملی فرهنگی ندارد. نتایج همچنین آشکار می‌سازند که بدبینی به آینده و احساس تبعیض نقشی مؤثر بر کاهش احساس غرور ملی (کلی و سیاسی) دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که احساس غرور و دلبستگی ملی شهروندان کاشانی تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه قرار دارد. این در حالی است که تصور افراد از موقعیت طبقاتی خود، اثری بر غرور ملی آن‌ها ندارد.

یافته‌های این پژوهش، نتایج تحقیق اسمیت و جارکو (۱۹۹۸)، ایونز و کلی (۲۰۰۲) و اسمیت و کیم (۲۰۰۶)، در مورد تأثیر جنسیت بر غرور ملی را رد نموده ولی یافته‌های تحقیق ایونز و کلی (۲۰۰۲)، اسمیت و کیم (۲۰۰۶) و هان (۲۰۱۳)، درباره اثرگذاری تحصیلات را تأیید می‌کند. نتایج پژوهش حاضر، همچنین رویکرد تایللی و هیث (۲۰۰۷)، در مورد نقش تحولات نسلی در کاهش غرور ملی (با احتیاط علمی) و همچنین دیدگاه سبوتاری (۲۰۱۵) درباره اثرگذاری تبعیض اجتماعی بر این نوع دلبستگی ملی را می‌پذیرد.

افزون بر این‌ها، تحقیق حاضر دو متغیر "نگرش سیاسی" و "خوش‌بینی/بدبینی به آینده کشور" را به عنوان عوامل مؤثر بر غرور ملی به ادبیات تحقیق و دانش موجود، معرفی می‌کند تا در تحقیقات دیگر مورد آزمون قرار گیرد. از محدودیت‌های مهم این پژوهش نبود مدل‌های نظری قوی و منسجم

در ادبیات تحقیق بود. بدین لحاظ ضروری به نظر می‌رسد که تحقیقات بعدی در مسیر طراحی مدل‌های نظری برای تبیین غرور ملی گام بردارند.

منابع

- دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۰)، *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول)*، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران: تهران.
- د واس، دی. ای (۱۳۷۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نابی، تهران: نشر نی.
- د واس، دیوید. ای (۱۳۹۴)، *تحلیل داده‌ها در علوم اجتماعی*: ۵۰ مسئله کلیدی در تحلیل داده‌ها، ترجمه داریوش یعقوبی، مؤلف: کرج.
- عیدی، حسین؛ عباسی، همایون و معصومه فدایی (۱۳۹۳)، *هنجاریابی ابزار غرور ملی با تأکید بر جایگاه ورزش، مطالعات مبانی مدیریت در ورزش*، بهار، سال اول، شماره ۳: ۳۱-۴۵.
- غلامی، محمدرضا؛ علیزاده، رضا (۱۳۹۶)، *تحلیل جامعه‌شناختی مفهوم غرور ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی*، ۷۲، سال هجدهم، شماره ۴: ۱۳۶-۱۱۹.
- فدایی ده چشمه، معصومه؛ عیدی، حسین و همایون عباسی (۱۳۹۵)، *ارائه مدل غرور ملی با تأکید بر جایگاه ورزش، مدیریت ورزشی*، خرداد و تیر، دوره ۸، شماره ۲: ۲۳۵-۲۴۹.
- قانع‌راد، محمد امین؛ خوشنام، مؤگان و قاسم جعفری (۱۳۹۴)، *غرور ملی، دموکراسی، اهمیت مذهب و افزایش احساس شادمانی؛ یک دیدگاه جهانی (۲۰۰۹-۲۰۰۵)*، *مطالعات جامعه‌شناختی، بهار و تابستان*، دوره ۲۲، شماره ۱: ۱۶۳-۱۳۱.
- محلای، ریحانه؛ ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۴)، *سهم خودکارآمدی و سازگاری در پیش‌بینی غرور ملی دانشجویان، پژوهش‌های روانشناختی*، دوره ۱۸، شماره ۱: ۱۱۶-۱۲۵.
- مصلحی جویباری، میترا؛ شریفی، نسترن (۱۳۹۴)، *سهم امیدواری و غرور ملی در تبیین شادکامی، پژوهش‌های روانشناختی*، دوره ۱۸، شماره ۱: ۷۵-۸۸.
- مظاهری، محمدعلی؛ مینا کاری، محمود و منصوره سادات صادقی (۱۳۸۷)، *مقایسه غرور ملی در ایرانیان مقیم کانادا، متقاضی مهاجرت به کانادا و ساکن تهران، روانشناسی*، ۴۶، سال دوازدهم، شماره ۲: ۱۶۹-۱۵۴.
- هاشمیان‌فر، سید علی؛ هاشمی، سید ضیاء و مینا جلالی (۱۳۹۰)، *غرور ملی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن، مطالعه موردی شهر اصفهان، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، زمستان، سال اول، شماره اول: ۱۶۹-۱۴۷.
- یعقوبی، داریوش (۱۳۹۸)، "تبیین وضعیت و عوامل اجتماعی مؤثر بر ملی‌گرایی مدنی و قومی-فرهنگی در بین شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۹۷"، پایان نامه دکتری، دانشگاه کاشان، چاپ نشده.

- Blank, T. & Schmidt,P.(2003), National Identity in a United Germany: Nationalism or Patriotism? An Empirical Test With Representative Data, *Political Psychology*, Vol. 24, No. 2 :289-312.
- Cebotary,V.(2015), ” The Determinants of National Pride of Ethnic and Immigrant Minorities in Europe , Nationalism and Ethnic Politics, 21:269–288, DOI: 10.1080/13537113.2015.1063911.
- Davidov,E.(2009) Measurement Equivalence of Nationalism and Constructive Patriotism in the ISSP: 34 Countries in a Comparative Perspective, *Political Analysis* ,17:64-82.
- Dijkstra, S., Geuijen, K., and de Ruijter, A.(2001)” ‘Multiculturalism and social integration in Europe’, *International Political Science Review*, vol. 22, No.1:55-83.
- Evans.M.D.R.,& Kelley,J.(2002), ” National Pride in The Developed World Suurvey Data From 24 Nations”, *International Journal of Public Opinion Research* Vol.14, No.3:303-338.
- Han, Kyung, J.(2013), ” Income Inequality, International Migration, and National Pride: A Test of Social Identification Theory”, *International Journal of Public Opinion Research*, Vol. 25 No. 4:502-521.
- Hjerm, M. (1998), “National identities, national pride and xenophobia: A comparison of four Western countries”, *Acta Sociologica*, 41, 335–347.
- Hjerm.M.(2003), ” National Sentiments in Eastern and Western Europe”, *Nationalities Papers*, Vol. 31, No.4:413-429.
- Hjerm, M., Schnabel, A. (2010), Mobilizing nationalist sentiments: Which factors affect nationalist sentiments in Europe?, *Social Science Research* 39: 527–539.
- Latcheva, R. (2010), Nationalism versus Patriotism, or the Floating Border? National Identification and Ethnic Exclusion in Post-communist Bulgaria, *Journal of Comparative Research in Anthropology and Sociology*, 1(2): 187-216.
- Meulders, M., De Boeck, Paul., & Realo, A. (2009), ”The Circumplex Theory Of National Pride”, *Hub Research paper*, 41:1-29. <https://core.ac.uk/download/pdf/34571579.pdf>
- Smith, Tom W.& Jarkko,L. (1998), “National Pride: A Cross-national Analysis” *National Opinion Research Center University of Chicago:1-46*.
- Smith, Tom W.& Kim.S.(2006), ” World Opinion, National Pride In Comparative Perspective: 1995/96 and 2003/04” *International Journal of Public Opinion Research* Vol. 18 No. 1:127-136. doi:10.1093/ijpor/edk007.
- Smith, Tom W,(2006) “National Pride in Specific Domains”, *NORC University of Chicago, GSS Cross-National, Report*, No 27.
- Solt, F. (2011), Diversionary nationalism: Economic inequality and the formation of national pride. *Journal of Politics*, 73: 821–830.

Tambini, D.(2001), "Post-national citizenship', *Ethnic and Racial Studies*, 24: 195-217.

Tilley, J. & Heath, A. (2007) "The decline of British national pride", *British Journal of Sociology* 2007, Vol 58 Issue 4: 661-678